

به این قانون جنگل خاتمه دهید!



مظفر محمدی

نیست نباید گذاشت اینچنین با حرمت و آزادی و انسانیت و سرنوشت مردم بازی شود. باید به این قدری و زورگویی و وحشیگری آشکار خاتمه داد. راه خاتمه دادن به این سرکوبگری عریان، تلاش فردی دستگیر شدگان و خانواده هایشان به تهایی نیست. صدای اعتراض به این تجاوز روزمره باید از هر کوی و برزنی بلند شود. کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، محلات و بازار و هر محل تجمع و پاتوق مردم باید محل اعتراض به این تهاجم و تعرض به حقوق انسان باشد. باید به این رژیم و ماموران ریز و درشت محلیش گفت و حالی کرد که حق و اجازه چنین اعمال نفرت انگیزی را ندارند و باید به آن خاتمه دهند. نباید دستگیر شدگان و کسانی را که امروز مورد تعرض و تهاجم قرار گرفته اند تنها گذاشت. این شترتی است که هر لحظه ممکن است جلو در خانه هر کسی بخوابد. اگر به این تعرضهای بیشرمانه خاتمه داده نشود فردا کلاهی برای کسی نمیماند که نگاهش داشت. تمام دستگیرشدگان شهرهای کردستان باید آزاد شوند. تمامی زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. آزادی و حرمت انسانی مردم باید از هر گونه تجاوز و تهاجم مصون

صفحه ۳

در صفحات دیگر

-زلزله در استان لرستان

-کژال یعقوبی یکی از فعالین تشکل علیه بیکاری و یکی از چهرهای محبوب و مبارز مردم سنندج

جان باخت

-دستگیریهای اخیر شهرهای کردستان

مردم کردستان ترکیه

زیر منگنه شوونیسیم ترک و ناسیونالیسم پ.ک.ک! (پیرامون کشتار مردم دیاربکر)



حسین مرادیگی (حمه سور)

رسمی دولت ترکیه "ترک کوهی" تا بتواند به عنوان شهروند آن جامعه پذیرفته شود. اکنون نیز نشانی از تغییری جدی در این سیاست دیده نمیشود. اگر هم تحت فشار واقعیهایی موجود ناچار از قبول تغییراتی جزئی در این سیاست شده اند، برای راضی کردن جامعه اروپائی و پذیرفته شدن ترکیه در اروپای واحد است. ادامه اعتراضات، تنش ها و درگیریهای یک هفته گذشته عمدتاً در شهر دیاربکر و استانبول و

سابقه بسیار طولانی ای دارد که من بارها و به مناسباتهای مختلفی در مورد آن نوشته ام. شوونیسیم ترک دولت ترکیه بانی مساله کرد در ترکیه است. سلطه دهها ساله ناسیونالیسم ترک در قالب دولتی سرکوبگر نظامی و پلیسی، جامعه ترکیه را در مقابل ارتجاع اسلامی نیز بشدت آسیب پذیر ساخت که حضور طیب اردوغان در راس این دولت نتیجه ادامه این سیاست است. یک "کرد" در ترکیه مجبور بود "ترک" باشد و یا به زبان

مصائب مردم مناطق کرد نشین ترکیه و ستم ملی ای که دولت ترکیه بر آنان اعمال کرده است،

خواهباهای شوم جریانات قومی!

در حاشیه نامه یک گروه قومی "ترک" به احزاب "کرد" خالد حاج محمدی

برده و اعلام کرده اند که چنین کارهایی باعث کورت میان کردها و ترکها خواهد شد. آنها برای تنظیم روابط میان کرد و ترک در فردای نماندن جمهوری اسلامی مترك و توافقتنامه از دوره به قول خودشان قاضی محمد و پیشه وری آورده اند. از لزوم وحدت و همبستگی ملتهای تحت ستم در این دوران حساس که جمهوری اسلامی در بحران است و فشارهای بین المللی بر رژیم زیاد است تاکید کرده اند. اعلام کرده اند که "ترکها" از همه ملل تحت ستم دگر بزرگتر و لذا بدون آنها حقوق ملتها به جایی نمیرسد و غیر... از اینکه جنبش فدرال _ دمکرات آنرلیجان، چقدر وجود واقعی دارد یا نه و اینکه اینها در حل حاضر اساساً نیروی هستند یا نه

خواهم گذشت. شاید اگر از این سر ماجرا را بگیرید هیچوقت نمیبایست کلمه ای در مورد آنها گفت و نوشت. اما خارج از بود و نبود و کوچک و بزرگ بودن این گروهها، مناسفانه اینها تنها نیستند و از این تیپ جریانات از امثال سازمان زحمتکشان و پژاک، تال احواز و انواع گروه قومی دیگر را میتوان بر شمرد. مسئله این است که اوضاع ایران بحرانی است. اکنون سالهاست که مسئله دخالت غرب در ایران و راههای مختلف کنار گذاشتن جمهوری اسلامی در دلانهای دول غربی مورد بحث است. بسیاری از گروههای قومی در این اوضاع امیدوارتر شده اند که با دخالت امریکا و بازی دادن به آنها در

صفحه ۳

اخیرا نامه ای سرگشاده به امضای "شورای مرکزی جنبش فدرال-دموکرات آنرلیجان" خطاب به احزاب "کرد" ارسال شده است که خواندن آن برای فهمیدن اینکه جریانات قومی چه در سر دارند و جنگ و دعوی آنها چیست، خالی از لطف نیست. در این نامه به احزاب به قول اینها "کرد" اعتراض شده که در مناسباتهای مختلف شهرهایی مانند ماکو، اورمیه، نقه، میانواب و... که به قول اینها سرزمین "ترکهاست" به نام "کردها" اسم برده شده است. آنها جریاناتی را که مرتکب این خطا شده اند از جمله حزب دمکرات و زحمتکشان نام برده اند. آنها عمل جریانات فوق را اقدامی علیه دوستی "ترک" و "کرد" اسم

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید ! به گارد آزادی بپیوندید !



به یاد رفیق کژال یعقوبی! سندج- بهروز رستمی



کمونیستها با تمام وجودمان راهش را که همان راه پرصلابت تغییر واقعی این جامعه ضد انسانیت را ادامه خواهیم داد. "ما کمونیستها، جان باختگان را در هاله ای از تقدس خرافی یا احساسات رمانتیک

او تبلور انسانیت بود. در شادی هایش بی دریغ و در مبارزه اش با شهامت. مرگ او همه انسانهای مبارز و آزادی خواه این شهر را در انبوهی از ماتم فرو برد. کژال عزیز ما، دختری پرتوان و مصمم برای مبارزه، که حضورش در هرجم، حضور جسارت و شجاعت بود. او همانند تمامی همزمناش در راهی گام نهاد که پرچمش آزادی بود و برابری، انسانی که زندگی را تنها با حرکت معنی می کرد. کژال هرگز از ما جدا نخواهد شد، چون او در دل تمام رفقایاش جا دارد، جدا از ما نخواهد بود و او با ما بود و هست. ما

قرار داده اند به حق به مبارزان سخت کوش این راه ادا احترام می کنند و از آن الهام میگیرند." کژال عزیز! تو امروز برای ما بیشتر از گذشته زنده هستی چرا که وجود سرشار از آزادی و عشق به انسانیت را چراغ راهنما قرار داده ایم. امیدوارم بتوانیم همچون تو که با شوق مبارزاتی خود نقطه عطفی برای همه ما به ثبت رساندی، در راه رهایی و آزادی انسان بیشتر از گذشته، پر توان تر از گذشته گام نهیم و مبارزه سرخمان پر صلابت تر از گذشته ادامه دهیم. **با یاد تو، پیش به سوی دنیای بهتر!**

میکنند، میتوانند و نباید آینده این مردم را رقم بزند. جواب شونیسیم دولت ترکیه، تحریک شونیسیم کرده و جنگ قومی نیست. این جامعه در درجه اول نیاز دارد که خود را از زیر جنگ خونین ناسیونالیستها و تزیق پیشداوریهها و تعصبات ناسیونالیستی و شونیبستی بیرون ببرد. این جامعه باید بتواند در یک شرایط متعارف خواستها و مطالبات و توقعات خود را در متن یک شرایط بدور از جنگ و کشمکشهای گرایشات ناسیونالیستی و قومی پیش ببرد. این جامعه به سوسیالیسم و کمونیسم طبقه کارگر بیش از هر زمانی شنیدنی احتیاج دارد. به حزب و سازمان کمونیستی طبقه کارگر به شدت نیاز دارد، وگرنه این وضعیت میتواند همچنان مصائب این مردم را تشدید کرده و ادامه دهد. رویدادهای اخیر یک بار دیگر بر صحت مبارزه جدی و مسئولانه برای رفع کامل ستم ملی از مردم در کردستان ترکیه تاکید میگذارد. ادامه سیاست کمالیستی و پان ترکیسم منتهاست به بن بست رسیده است. باید به مردم کردستان ترکیه امکان داد که از حقوق کامل شهروندی خود بهره مند شده و راه حل حقوقی مسأله ملی را با رای آزادانه خود فیصله دهند.

4 آوریل 2006



سرکوبگری و ستم چنان بی حد و مرز و "فراقانونی" است که مسائل زندگی و مطالبات انسانی و حق شهروندی مردم را در کردستان ترکیه بشدت به حاشیه انداخته است. اعتراضات این مردم به دیگر خواستهای رفاهی و اجتماعی و سیاسی عملاً تحت الشعاع خواست رفع ستم ملی قرار میگیرد. خود خواست رفع ستم ملی از جانب پ.ک.ک هم برای مردم کردستان ترکیه و مردم دیگر مناطق کردنشین روشن نیست. خواست پ.ک.ک در واقع جواب ندارد. یک روز میگویند کردستان ترکیه مستعمره ترکیه است، یک روز "جمهوری نمکراتیک ترکیه" را میخوانند و روز دیگر خواهان مذاکره و "اشتی" با دولت ترکیه اند! در یک کلام، مردم کردستان ترکیه تحت سلطه ناسیونالیسمی به شدت عقب مانده و دنبالچه نول ارتجاعی منطقه قرار دارند که جلوه رشد سیاسی و ایجاد ساختارهای سیاسی و منی مبارزه برای آزادی و برابری در این جامعه را با خشونت میگیرد و گرفته است. پ.ک.ک و سلطه سیاسی آن بر زندگی مردم کردستان ترکیه محصول جبری ستمی ملی و شونیبستم ترک دولت ترکیه است. ستمگری دولت ترکیه محکوم است، کشتار مردم معترض به ستم و سرکوب دولت ترکیه بویژه شلیک کردن بر روی کودکان قویا محکوم است، اما این وضعیت میتواند سرنوشت مردم کردستان ترکیه نباشد. دامن زدن به عرق قومی و حتی ایجاد تنش ها و درگیریهای قومی که دولت فاشیست ترکیه و پ.ک.ک هر دو برای ایجاد و گسترش آن تلاش

است. در کردستان ترکیه مذهب و مردم سالاری مثل خوره آن جامعه را دارد میخورد و دولت ترکیه خود رواج دهنده آن است. زن کمالک بی حقوق و شهروند درجه دوم است. چهار زنه بودن مرد امری "طبیعی" است. شوهر دادن دختران بدون اجازه آنان امری روزمره و "قابل قبول" این جامعه است. این واقعیات تحت الشعاع شونیبستم دولت ترکیه قرار گرفته و یا کمتر به بیرون درز پیدا میکنند. کارگران در کردستان ترکیه تا دیروز تشکلهای کارگری خود را داشتند و همراه دیگر کارگران در سراسر ترکیه



اعتراض خود را به دولت ترکیه منعکس میکردند. مشکل مردم مناطق کردنشین همچنین تنها شونیبستم دولت ترکیه نیست، به شونیبستم و سرکوب سیستماتیک و هر روزه دولت ترکیه، مشکل پ.ک.ک نیز افزوده شده است. مردم مناطق کردنشین در واقع در منگنه این دو قرار گرفته اند. پ.ک.ک به هر اعتراض این مردم به دولت ترکیه رنگ قومی میزند. نوز که روز شادی و خوشی و رقصیدن است و مردم واقعا دارند شادی میکنند، بلافاصله به آن رنگ قومی پ.ک.ک میخورد. و این به نوبه خود به سرکوب زمخت و شنید مردم کردستان و تسلط سیاست شونیبستم ترک افزوده است. این

مرزهای ترکیه، ر بوده و به زندان بیاندازند. معلوم است که مردم خواهان آزادی او خواهند شد و آزادی او جلال حق این مردم است. برخورد دولت ترکیه، به او جلالان و ربودن او، خصلت نمای سیاست دولت ترکیه در برخورد به مسأله کرد است. او جلالان هر چه باشد و هر سیاست غلطی هم داشته باشد، در هر حال در فضای سیاسی کردستان ترکیه به عنوان داغ بی حقوقی مردم کرد زبان، خود را نشان میدهد. آیا فقط آدم ربائی و تروریسم دولتی "قانونی" است، و آدم ربائی و تروریسم غیر دولتی محکوم است؟ این سیاست دابل استاندارد را مردم حق دارند قبول نکنند و به آن معترض باشند. اگر هر دوی اینها آدم ربائی و تروریسم است که هست، هر دوی اینها محکوم است. بعلاوه ستم ملی تنها مشکل مردم مناطق کردنشین نیست. ادامه آن و سرکوب دهها ساله این مردم به این خاطر و توحش دولت ترکیه، همزمان در غیاب سازمان کمونیستی طبقه کارگر آن را در این مسیر کنالیزه کرده است. این مردم همراه دیگر مردم کارگر و زحمتکش ترکیه با مشکل بیکاری، با فقر و فلاکت موجود که نتیجه بحران اقتصادی مزمن سرمایه داری در ترکیه است و منتهاست جامعه ترکیه در آن دست و پا میزند، دارند دست و پنجه نرم میکنند. نبودن امکانات رفاهی و اجتماعی و دیگر آذنیهای سیاسی مشکل اصلی این جامعه و درد این مردم است. ارتشاء، فساد اداری و باجگیری آشکار منتهاست به شیوه تامین معاش دستگاه نظامی و بوروکراسی دولت ترکیه تبدیل شده

از میر و غیره که در آن 6 نفر و بنا بر گزارشاتی بیشتر از آن، که 3 کودک نیز در آن جان خود را از دست دادند، بخشا ادامه اعتراض به ستم و تبعیضی است که هنوز دولت ترکیه بر مردم مناطق کردنشین ترکیه، تحمیل میکند. در جریان این اعتراضات طبیب اردوغان اعلام کرد که نیروهای پلیس و ارتش ترکیه بسوی کودکان و زنان که با تفکر شونیبستی اسلامی او جزو شهروند درجه دوم محسوب میشوند، نیز شلیک خواهند کرد که شلیک هم کردند. همه اینها ظاهراً وقتی اتفاق افتاد که مردم میخواستند چند نفر از کسانی را که در درگیری با نیروهای دولت ترکیه جان خود را از دست داده بودند، دفن کنند. میگویند که واقعیتی به نام مردم کرد زبان را در ترکیه به رسمیت می شناسند، اما دختر 13 ساله را که در خیابان ترانه کردی میخواند به زندان میاندازد. خواندن و نوشتن به زبان کردی در مدارس و غیره کمالک ممنوع و جرم است. اجازه تلویزیون برای برنامه به زبان کردی را میدهند اما اجازه نمیدهند که در آن زبان کردی را آموزش دهند و یا برنامه ای برای کودکان داشته باشند. مردم مناطق کردنشین خواهان آزادی او جلالان هستند و نیروهای پلیس و ارتش ترکیه به این خاطر به آنان شلیک میکنند. برای مردم و جامعه مدنی این آدم ربائی و تروریسم دولتی دولت ترکیه قابل قبول نیست. قابل قبول نیست که رهبر یک حزب سیاسی اپوزیسیون را در یک عملیات آشکار آدم ربائی، آنها را خارج از

کژال یعقوبی نماینده نسل پرشور، آرمانخواه و برابری طلب!

بشریت را از شر يك رژيم ضد زن و ضد انسان نجات دهد. این نسل جلو آمده و به چیزی کمتر از آزادی و برابری و جامعه ای متمدن و مدرن و مرفه و خوشبخت رضایت نمیدهد. در فقدان کژالها کار ما و کار همه رفقا و دوستان کژال سخت تر میشود و اما عزم ما هم جزم تر میگردد. باید و خاطره و شورو شوق و امید کژال عزیز به رهایی و پیروزی پیش میرویم همیشه اورا در کنار خود حس میکنیم و داریم

پری زارع
۱۵ فروردین ۸۵

نابرابری، حقارت، اجبار در پوشش و روابط اجتماعی سر بر میآورد و پیام آزادی و رهایی زن و کارگر را به جامعه اش میرساند. کژال سمبل عصیان نسل خودش است. کژال عصیانگر اما نه با سلاح ناامیدی و با طغیان فردی بلکه با سلاح اتحاد و تشکل و سازمانگری برای رهایی نسل خودش پا به میدان گذاشت. او به خوبی میدانست که بدون يك کار سازمانگرا نه و متحد کننده تغییری محرومان جامعه ما ممکن نیست. کژال نماینده نسل خودآگاه جامعه ما است. جمهوری اسلامی را از این نسل چند ده میلیونی گریزی نیست. کژال تنها جرقه ای از يك آتش فشان عظیم است که میتواند نه تنها زنان و مردان جامعه ما بلکه

میشود. کژال خیلی خوب میداند که جنبش رهایی زن در ایران با جنبش طبقه کارگر در يك صف قرار دارد و بهم مربوط و از هم جدا نیستند. او به فمینیسم قانع نبود. او نگذاشت گرد ناسیونالیسم بر چهره مهربان و انسانوستش بنشیند و از او يك انسان با هویت قومی (زن کرد) درست کند. او تبعیض و تقسیم انسان بر اساس جنسیت و قوم و زبان و مذهب و فرهنگ را پذیرفت و آنها را موانع بر سر راه رهایی زن و رهایی کارگر تشخیص داد. کژال تنها نماینده و سخنگوی تشکل کارگری علیه بیکاری در سنجندج نبود. او نماینده و سخنگوی يك نسل کامل ۷۵ درصدی جوان ایرانی است که در دل خفقان، تحمیل

علاقم جنبایات بیشمار جمهوری اسلامی نسبت به ما زنان، این مملکت اکنون صاحب يك نسل جوان پر شور و برابری طلب شده است که نظیرش را در کمتر جای دنیا میتوان سراغ داشت. کژال یکی از نمایندگان و سمبل این نسل جدید است. دختر جوانی که علیه آپارتاید بر میخیزد، در مقابل تحجر اسلامی و قوانین ومقررات و سرکوبگریهای يك رژيم به غایت ضد زن میایستد و به کار سازمانگري مشغول میشود. او مرز و دیوار متحجر تبعیض جنسی را میشکند و نه تنها علیه این تبعیض بلکه با تبعیض و نابرابری طبقاتی هم میجنگد. کژال علاوه بر فعالیت برای آزادی و برابری زن و مرد عضو و فعال تشکل کارگران علیه بیکاری نیز

مرگ کژال درننگ بود. دو بار درننگ بود. يك بار به خاطر فاجعه ای که همزمان جان پنج عضو يك خانواده شریف را گرفت و يك بار به خاطر از دست رفتن انسانی بزرگ که میتوانست کار سازمانگرا نه اش را به پایان برساند و رهایی نسل خودش را و آزادی و برابری را با چشمان خود ببیند. او شایسته جامعه آزاد و خوشبختی بود که میخواست با دستان خود بسازد. رژيم اسلامی و اسلام متحجرش با وجود بیش از سه دهه جنایت و سرکوب زنان هیچگاه نتوانست صف عظیم انسانیهای جامعه ما را به اسارت کامل در آورد. ایران هیچوقت افغانستان و عربستان و کویت اسلامی برای رژيم نشد.

خود دیدیم فردا در سلیه نقشه های شوم دول غربی همین گروههای قومی با گرفتن پول و اسلحه میتوانند به عنوان نجات دهندگان جامعه ایران و مبارزین راه "دمکراسی" در ایران به کمک بی بی سی و سی ان ان و کل ژورناليسم فاسد به خور مردم داده شوند. اینها عوارض ۲۶ سال حاکمیت جنایتکارانه حکومت اسلامی ایران و توحشی است که بر مردم روا داشته شد. اینها در سلیه جنگ طلبی امریکا و قلدری و زور گویی آن امیدی پیدا کرده و زنده شده اند و چنین گستاخانه و در کمال ابلهگی برای کشتار ما و برای راه انداختن جنگهای چون رواندا و یوگسلاوی در کوچه های تهران و اورمیه و نقده و دهها شهر دیگر نقشه میریزند و زیر نام منافع "خلفا"ی تحت ستم دارند و پیروس قومی را رواج میدهند. به همین دلیل لازم و ضروری است که جامعه و مردم را در مقابل خطر اپینمی این و پیروس هوشیار کرد و واگسند کرد. اولین قدم در این راه شناساندن اینها و بر ملا کردن کل نقشه شومی است که برای ما مردم در سر میپوراندند.

مردمانی که دهها سال است با هم و در کنار هم زندگی میکنیم، بلبلیل تکلم به زبانهای مختلف دشمن هم شده و علیه هم سنگربندی کنیم. فردا تهران و نقده و خوی و ماکو و میاندواب و دهها شهر دیگر به میدان جنگ مردم علیه همدیگر برای تمیل مالکیت "اقوام" خود بر آنها و کوچ دادن دیگران تبدیل خواهد شد. وقتی آدم به این درجه از حماقت و جهالت این جریانات فکر میکند، احساس اولش این است که این خوابهای فاشیستی و آرزوهای مریض گونه، تنها تراوش ذهن بیمار مثنی آدم جاهل و متحجر و فاشیست میتواند باشد و لذا جای نگرانی نباید باشد. اما این همه حقیقت نیست. زمانی نه چندان دور کسی فکر نمیکرد افغانستان به مرکز جنایت و نسل کشی توسط سکتهای وحشی اسلامی تبدیل شود. هیچوقت انسان فکر نمیکرد یوگسلاوی به میدان کشت و کشتار و جنایت علیه مردم به نام صرب و کروات و ... تبدیل شود. هیچوقت انسان فکر نمیکرد روزی در بغداد کسانی به خود بمب بینند و مردم کوچه و خیابان را تکه پاره کنند. اما متأسفانه همه اینها را با چشم

تهدید ضمیمه سخنان خود کرده اند. گفتیم که اینها تنها نیستند. اکنون جریانات مشابه از پژاک و سازمان زحمتکشان تال احواز و تا انواع گروه قومی در گوشه و کنار به امید دخالت امریکا و در سلیه ایجاد جهنمی برای مردم ایران، برای چنین روزی کیسه بوخته اند. همگی رمز موفقیت در اجرای نقشه شوم خود را به درست، باد زدن در هویت قومی، ایجاد نفرت قومی و درست کردن شناسنامه قومی برای ما مردم دیده اند. همگی و هر کدام به نامی، خود را کندای مردم به قول خودشان ترک، کرد، بلوچ، لر و عرب و ... کرده اند. هنوز چیزی نشده مرزهای پر گهر وطن را تعیین و نقشه در دست و با خط کش و خودکار دارند شهر به شهر و روستا به روستا، کوچه و خیابانها را تقسیم میکنند. بر مبنای خوابهای فاشیستی اینها، در سایه فدراليسم قومی جریانات قومپرست و شبه فاشیست، و بر مبنای ذهن بیمارگونه طیف روشنفکران نادان و کوته بین طرفدار "مال تحت ستم"، باید فردا در کوچه و خیابانها شهرها، ما

شود. خلاصه در آینده و شدت یابی سناریوی سیاه و مسجل شدن راه افتادن نسل کشی، حتما به جمعها و جریانات دیگری سبز خواهند شد و به امید پاچه ای در کمین خواهند بود. اما برای يك لحظه هر آدم سلیمی نقشه ایران و ادعای گروههای قومی را مقابل خود قرار دهد، اگر فرض را این بگیرد که نقشه های اینها به جایی برسد، اگر فرض گرفت که دنیا به مرام امثال پژاک و زحمتکشان، جنبش فدرال آنریبلجان و ال احواز و سایرین باشد، چه جهنمی در انتظار مردم ایران خواهد بود؟ کنه ماجرا این است که این آقایان در برنامه و نقشه ای که چیده اند، نقشه ایران را مقابل خود قرار داده و مناطقی را برای به قول خویشان ترکه تعیین کرده اند و جریانات قومی دیگر را و البته در این مورد جریانات قومی کرد را هشدار میدهند که اینها سرزمین ترکهها است و کسی دست از پا نباید خطا کند و این نقشه و مرز تعیین شده را باید به رسمیت بشناسند. و ضمنا وجود ترکیه را نیز که حتما به این دلیل که سرزمین ترکههاست و دولتی در منطقه است هم به عنوان

خوابهای شوم ...
از ص ۱
فردای نمادین جمهوری اسلامی کاره ای شوند. دیروز سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ابراز نگرانی میکرد که شهر سنجندج ترکیب جمعیت آن به زبان کردها تغییر کرده است، منتهی است پژاک توسط PKK و دقیقا از زمانی که خود PKK را جمهوری اسلامی نان نداد و از ادامه تامین خرج و مخارجشان سر باز زد، آنها هم ضد رژيم شده و اندر فواید مبارزه خلقهای تحت ستم و ملت کرد از ما کمونیستها ضد جمهوری اسلامی تر شده اند. سازمان زحمتکشان هم که در همین راستا و الحق آنها قیلتر و به امید کاره ای شدن در دوران ختمی و به کمک جلال طالبانی سبز شدند و اکنون هم در کمین نشسته و ناخنها خود را میجویند و منتظر و آماده تا درخت امیشان با شروع حملات امریکا و پخش اسلحه و پول به امثال آنها و بازی گرفتن در سناریوی سیاه ساخته پنتاگون در جایی گمارده شوند. ال احواز هم که باز قرار است در زمان خود به عنوان نماینده مردم از جانب پنتاگون فوت شود و بزرگ

وامنیت و آزادی مردم ادامه دهند. به تاخت و تاز این جانوران ضد حقوق انسان باید خاتمه داد.

با کنترل محلات مجال و فرصت نست درازی ماموران رژيم به خانه های مردم را ندهند. باید در مقابل این قلدری و بیشرمی ایستاد. نباید اجازه داد این جانوران بی محابا و بدون ترس از عکس العمل مردم به پایمال کردن حقوق ابتدایی

کارخانه ها و مدارس و بازار و محلات بچرخد، هیتهای نمایندگی برای دفاع از حقوق منی و انسانی شهروندان انتخاب شوند، این قلدری و سرکوبگری بیشرمانه نوام نمیآورد. سرانجام باید کاری کرد و باید روزی برسد که جوانان

کارگر و کارمند و معلم و جوان و زن و همگان استین بالا بزنند و از ادیهای فردی و اجتماعی و حرمت انسانیشان را پاس بدارند. اگر با هر تعرض به حقوق يك نفر صدای دهها و صدها و هزاران نفر بلند شود. توامهای اعتراضی در

به این قانون جنگل ... از ص ۱
بماند. این حداقل و ابتدایی ترین حقوق انسان است. مدنیت و انسانیت را باید پاس داشت. این کار ممکن نیست بجز اینکه همه شهروندان این مملکت از

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!

ده ها نفر بر اثر زمین لرزه در لرستان جان خود را از دست دادند!

حکمتیست ضمن تسلیت به خانواده و بزماتنگان مردم مصیبت دیده شهرستان بروجرد و روستاهای منطقه و ابراز تأسف عمیق از وقوع این حادثه ناگوار، مردم شهر و منطقه را به کمک رسانی و امداد مردم آسبیده از زلزله را فرا میخواند.



در آیند هیچکسی بهتر از خود مردم برای هموعان خود و همطبقه ایهای خود احساس مسئولیت و دلسوزی انسانی ندارد. اما شکی نیست که کلیه مخارج این کارها را باید دولت و نهادهای محلیش بپردازند. حزب کمونیست کارگری-

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ فروردین ۸۵
(۳۱ مارس ۲۰۰۶)

بار این مصیبت را چه بهنگام وقوع و چه پس از آن بر دوش مردم کم کنند. در چنین مواقعی مردم محل و بخصوص نهادهای انسانوست و مدنی و شخصیتها و فعالین کارگری و کمونیست میتوانند و باید نقش بسیار با اهمیتی را ایفا کنند. تشکیل کمیته های امدادسانی، کمک به خانواده های آسیب دیده، فراهم آوردن مسکن از امکان دولتی، تا گرفتن خسارت کامل از دولت برای شروع زندگی عادی مردم آسیب دیده از جمله کارهایی است که میتوانند به عمل

می دهد. بیمارستان های این ۲ شهرستان ظرفیت پذیرش مصدومان را ندارند. رییس ستاد حوادث غیرمترقبه لرستان نیز از کمبود آمبولانس برای کمک به مجروحان خبر داده است. همچنین بیمارستانهای محلی بروجرد هم اکنون با ازحام مراجعین مواجه است. این مصیبت جدید افزون بر سایر مصیبتهای ناشی از حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بخشی از مردم را دچار صدمه و عواقب سخت ناشی از آن کرده است. رژیم و ماموران محلیش مثل همیشه نه میخواند و نه میتوانند

با کمال تأسف در جریان وقوع چند زلزله پی در پی در استان لرستان، ده ها تن از مردم کشته و صدها نفر زخمی شده اند. قوی ترین زمین لرزه به قدرت شش ریشتر صبح امروز شهرستان بروجرد را لرزاند. بنا به گزارشهای رسیده، میزان خسارات مالی ناشی از این زلزله هائیز بسیار سنگین است و دست کم سی روستا در این استان بین ده تا صد درصد تخریب شده اند.

آخرین آمارها از زلزله دیشب و صبح امروز لرستان از ۶۶ کشته و ۱۲۴۶ مجروح خبر

تعداد زیادی در شهر و حومه بوکان بازداشت شده اند!

ارتجاعی را فراهم خواهیم نمود. جمهوری اسلامی نباید توان و اجازه بازداشت کسی را داشته باشد.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد مردم و جوانان مبارز
بوکان!**

**سلام زیجی
دبیر کمیته بوکان حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست**

15 فروردین 85 ؛ 4 آوریل 2006

بوکان جمهوری اسلامی و مسئولین مزدور کنونی سازمان اطلاعات بوکان را مسئول مستقیم جان همه دستگیر شدگان میدانیم. مردم! شمارا فرا میخوانیم برای مقابله قاطع و گسترده با جمهوری اسلامی و دشمنان آزادی و برابری به گارد آزادی و حزب حکمتیست به پیونید. واحدهای گارد آزادی را در محلات شهر بوکان تشکیل دهید و از این طریق راه حضور اوباش اسلامی را در محلات مسدود کنیم و مانع حضور و قلدری آنان شویم. با تشکیل گسترده واحدهای گارد آزادی برای خود امکان مقابله قدرتمند با هر نوع

دهدگسترش کنترل و بازخواست و دستگیریهای اخیر تکرار تلاشهای شکست خورده این جنایتکاران است. مردم بوکان همگام با مردم آزادیخواه ایران نه تنها تسلیم ایجاد جو رعب و وحشت این جنایتکاران نخواهند شد بلکه با تداوم و گسترش مبارزات متحدانه خود یک بار دیگر تو طنه های اخیر آنها را ناکام خواهند کرد.

مردم مبارز بوکان، جوانان متنفر از جمهوری اسلامی! شمارا فرا می خوانیم با ابتکارات مختلف برای آزادی همه دستگیر شده گان تلاش نمائید. ما و مردم

رزگار سلیمیان، دارا قریشی، ربیوار سلیمیان و کامل سلیمیان. طبق اخبار رسیده تعداد بسیار بیشتری بازداشت شده اند. مردم شهر بوکان از بازداشت حدود صد نفر خبر میدهند. این بازداشتها و ایجاد فضا ترس و وحشت آ زمایش دیگری است که جمهوری اسلامی به آن دست زده است. جمهوری نکبت اسلامی بر روی دریایی از تنفر و انزجار مردم و جوانان نشسته است. واقعیت این است که هیچ نوع تلاش مزبوحانه و جنایت کارانه از این دست نمیتواند این حکومت وحشی و آمکش را از کابوس مرگ نجاش

طی دو سه هفته اخیر دهها نفر از مردم و جوانان در بوکان و حومه آن به بهانه های مختلف و اتهامات پوچ از طرف جنایتکاران اسلامی دستگیر و در مکتهای نامعلومی نگهداری میشوند. اسامی تعدادی از بازداشت شدگان که از طرف برخی از خبرگزاریها اعلام شده است عبارتند از آزاد رسولی، ابوبکر باپیری، خضر سعید نژاد، محمدصالح کوخاشیره، خالد شیرزاد، ابوبکر تیکان تپه، آوات قریشی، محمد امین سلیمیان، سعداله سلطانیان، خضر مولودی،

دستگیری و زندانی کردن مردم معترض را بی جواب نگذارید!

و متحد به عنوان خواست تجمعات مردم بیان شود. دستگیرشدگان و زندانیان و خانواده و بستگان آنها را نباید تنها گذاشت. کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی، مردم مبارز و آزادیخواه را به مبارزه و اعتراض علیه این توحش و برای آزادی فوری تمام دستگیرشدگان فرا میخواند.

**کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست**

۱۵ فروردین ۱۳۸۵
(۴ آپریل ۲۰۰۶)

مبارزات کارگران نساجی و شاهو در سنندج را از سر استیصال نیز با سرکوب و زندان جواب دادند. باید با مبارزه متحد و یکپارچه این جانیان را سر جای خود نشاند. باید افکار عمومی جهان متمدن را از این جنایت جهت رهایی دستگیر شدگان بسیج کرد. باید نفرت عمومی از رژیم اوباشان اسلامی را بصورت تحرکات اجتماعی به میدان کشید. اگر رژیم اسلامی با دستگیری و زندان قصد مرعوب کردن جامعه را دارد باید با اعتراضات متحدانه جواب بگیرد. کلیه دستگیر شدگان باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند، این شعار در تمام تجمعات باید یکصد



با تعرضات گسترده و قاطع جواب داد. باید با تجمعات وسیع خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمام دستگیرشدگان اخیر شد. اوباشان اسلامی با هر حرکت و اعتراض بساط سرکوب و زندان راه میداندند، کارگران شرکت واحد، فعالین کارگری سقز، مبارزات مردم محله فیض آباد سنندج،

نگران و منتظرو بی جواب میگذارند.

این عمل سر کوبگرانه رژیم اسلامی پرده ای دیگر از ادامه سایر نمایشات زبونه در مقابله با جنبش آزادیخواهی مردم میباشد. این اعمال ضد انسانی، ترفندی است جهت ارباب جامعه، رژیم اوباشان اسلامی حتی از شادی و سرور مردم نیز وحشت دارند. تعرضات اخیر جنایتکاران به جوانان و مردم نشانه ای از این هراس است.

مردم! جوانان و آزادیخواهان! تجارب مبارزه و جدال شما در تقابل با این رژیم ضد زندگی نشان میدهد که باید تعرض این جانیان را

رژیم جنایتکار اسلامی اخیرا در مقابله با ایام نوروزی و شادی مردم، دست به تعرضات سرکوبگرانه علیه مردم در شهرهای کردستان زده است. اخبار رسیده حاکی است که در شهرهای بوکان، کامیاران، مریوان تعدادی از جوانان و مردم را دستگیر کرده اند. قبلا محاکمات و دادگاهی دهها نفر از جوانان در شهر سقز را به اطلاع رساندیم. اوباشان اسلامی از هراس اعتراضات مردم جوانان را یکی یکی دستگیر میکنند و آنها را به زندان منتقل میکنند، خانواده دستگیر شدگان را بی اطلاع از مکان و محل بستگان در بند خود

جان باختن کژال یعقوبی همراه مادر، پدر، خواهر و برادرش در حادثه غم انگیز رانندگی، مایه تأسف و اندوه فراوان است. ما این ضایعه را به خانواده و بستگان و دوستان کژال عزیز تسلیت میگوییم و خود را شریک اندوه و غم از دست دادن این عزیزان میدانیم. اکتبر

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!